[237] پروردگارا ! مرادعوت می کنی در حالیکه از تو روی می گردانم، وتو محبت می نمایی ومن بغض وعناد می ورزم، بامن دوستی وشفقت می فرمایی ومن از تو نمی پذیرم، گویا بر تو منت می گذارم، این ناسپاسی من مانع از رحمت واحسان نمودن تو برمن وفضل وعنایت براساس جود وکرمت نشده است، پس به این بنده نادانت رحم کن وبه فضل واحسانت بر من ببخشای که تو بسیار بخشنده وکریمي. ستایش مخصوص خداست که مالك ملك وجود است، روان ساز کشتیها، رام کننده بادها، پدید آورنده صبحگاهان از شب، وحاکم روز جزا، وپروردگار جهانیان است. ستایش از آن خداست بر حلم أو پس از علمش، وستایش از آن خداست بر عفوش پس از قدرتش، وستایش خدای راست بر حلم و بردباری طولاني أو در مقام غضبش، در حالیکه بر هرچه خواهد تواناست. ستایش مخصوص خداست که آفریننده خلق وگسترانننده روزی، و پدید آرنده صبحگاهان، وصاحب جلالت وبزرگواری وفضل وانعام است، آن خدائی که از نظرها دور است واز اینرو دیده نخواهد شد، وبهمه نزدیك است، واز این جهت بر رازهای پنهان شاهد وگواه می باشد، اوست بزرگوار وبلند مرتبه. ستایش از آن خدائی است که کسی در مقابلش به نزاع برنخیزد، و شبیهي با أو همگون نگردد، پشتیبانی مددکار أو نشود، عزیزان در مقابل عزتش مقهور، وبزرگان در پیشگاه عظمتش متواضعند، وباقدرتش برهرچه خواهد می رسد.